

مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 17 - سه درخواست امام سجاد (ع) از یزید

راوی گوید: سپس یزید به امام سجاد (علیه السلام) گفت : آن سه حاجت را که وعده کرده ام بر آورده سازم بگو حضرت (علیه السلام) فرمود: اول آنکه سر مبارک سید و پدر و مولای من حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) را به من نشان دهی تا از دیدارش مستفیض شوم ؛ دوم آنکه هر چه اموال ما به غارت برده اند باز گردانی ؛ سوم اینکه اگر عزم کشتن مرا داری شخص امینی را با این زنان روانه دار تا آنان را به حرم جدشان رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) برساند. یزید گفت :

مسلك سوم : وقایع پس از حادثه عاشورا ؛ 17 - سه درخواست امام سجاد (ع) از یزید

- راوی گوید: سپس یزید به امام سجاد (علیه السلام) گفت : آن سه حاجت را که وعده کرده ام بر آورده سازم بگو.

اولی : این ترینی وجه سیدی و مولای و اعی ، اءلحسین فاءتزوج منه و اءنظرا لیه و اءودعه . و الثانية : اءن ترد علینا ما اءخذ منا . و الثالثة : ان كنت عزمت علی قتلی اءن توجه مع هولاء النسوة من یردهن الی حرم جدهن)). فقال : اءما وجه اءبیک فلن تراہ اءبدا ، و اءما قتلك فقد عفوت عنک ، و اءما النساء فلا یردهن الی المدینة غیرک ، و اءما ما اءخذ منکم فانی اءعوضکم عنه اءضعاف قیمته . فقال (علیه السلام): ((اءما مالک فلا نریدہ ، و هو موفر علیک ، و انما طلبت ما اءخذ منا ، لان فیہ مغزل فاطمة بنت محمد و مقنعتها و قلاذتها و قمیصها)).

فامر برد ذلك ، و زاد علیه ماءتی دینار ، فاءخذها زین العابدین (علیه السلام) و فرقها علی الفقراء و المساکین .

ثم امر برد الاءساری و سبایا البتول الی اءوطانهم بمدینة الرسول . و اءما راءس الحسین (علیه السلام)، فروی اءنه اءعید فءدفن بکربلاء مع جسده الشریف صلوات الله علیه ، و کان عمل الطائفة علی هذا المعنی المشار الیه . و رویت آثار کثیرة مختلفة غیر ما ذکرناه ترکنا وضعها کیلا ینفسخما شرطناه من اختصار الکتاب .

حضرت (علیه السلام) فرمود: اول آنکه سر مبارک سید و پدر و مولای من حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) را به من نشان دهی تا از دیدارش مستفیض شوم ؛ دوم آنکه هر چه اموال ما به غارت برده اند باز گردانی ؛ سوم اینکه اگر عزم کشتن مرا داری شخص امینی را با این زنان روانه دار تا آنان را به حرم جدشان رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) برساند.

یزید گفت : اما سر پدر را هرگز نخواهی دید و اما کشتن تو، پس از خون تو درگذشتم و زنان را بجز تو، کسی دیگر به مدینه نخواهد رسانید. و اما آنچه را که از اموال شما برده اند، من چندین برابر قیمت آن را به تو می دهم امام سجاد (علیه السلام) فرمود: مرا در مال تو طمع نیست و هیچ از مال تو نخواهم ؛ بلکه مطلب این است که در میان آن اموال وسیله ریسندگی و گردنبدن و مقنعه و جامه جده ام فاطمه (علیه السلام) وجود داشته که به یغما برده اند.

یزید حکم نمود آن اموال را باز گردانند و دو هزار دینار از خود به آن حضرت تقدیم کرد که امام سجاد (علیه السلام) آن را گرفت و در میان فقرا قسمت نمود. سپس یزید امر نمود که اسیران اهل بیت حسین (علیه السلام) را به سوی مدینه برگردانند. اما سر مطهر حضرت امام ؛ در روایت چنین وارد شده که آن سر انور به سوی کربلا رجوع داده شد و به جسد شریف ملحق گردید و عمل علمای امامیه موافق این قول است ، اگر چه روایات فراوان و مختلفی در این باره وجود دارد که از ذکر آنها خودداری می کنیم تا شرط اختصار در این کتاب رعایت شود.

قال الراوی : و لما رجع نساء الحسین (علیه السلام) و عیاله من الشام و بلغوا الی العراق ، قالوا للدلیل : مر بنا علی طریق کربلاء.

فوصلوا الی موضع المصرع ، فوجدوا جابرا بن عبد الله الاءنصاری (رحمه الله) و جماعة من بنی هاشم و رجالا من آل الرسول (صلی الله علیه و آله و سلم) قد وردوا لزیارة قبرالحسین (علیه السلام)، فوافقوا فی وقت واحد، و تلاقوا بالبکاء و الحزن واللطم ، و اءقاموا المآتم المقرحة للاءکباد، و اجتمعت الیهن نساء ذلك السواد، و اءقاموا علی ذلك اءیاما.

فروی عن اءبی حباب الکلبی قال : حدثنی الجصاصون قالوا: کنا نخرج الی الجبانة فی اللیل عند مقتل الحسین (علیه السلام)، فنسمع الجن ینوحون علیه فیقولون :

مسح الرسول جبینہ ... فله بریق فی الخدود

اءبواه من علیا ... قریش جده خیر الجدود